# مفهوم خدا در
# ادیان مختلف جهان




نویسنده: دکتر ذاکر نایک | مترجم: بهرام

رد شبهات ملحدین
No-Atheism.net

بسم الله الرحمن الرحیم

# مفهوم خدا

# در ادیان مختلف جهان

نویسنده: دکتر ذاکر نایک

مترجم: بهرام

# مشخصات کتاب

مفهوم خدا در ادیان مختلف جهان


**نویسنده: دکتر ذاکر عبدالکریم نایک**

**مترجم: بهرام / ترجمهٔ اولیهٔ کتاب: ۲۲ اکتبر ۲۰۱۷، معادل یکشنبه ۳۰ مهر ۱۳۹۶**

**ویراستار و صفحه‌آرا: نوید نوری**

**ناشران: رد شبهات ملحدین / کانال تلگرام «دکتر ذاکرنایک»**

**پاییز و زمستان ۱۳۹۸ – بهار ۱۳۹۹**


no-atheism.net
no_atheism
islamway1434
asteira



doctor_nick
loginislam

# فهرست مطالب

# پیشگفتار مترجم

**بسم الله الرحمن الرحیم**

﴿قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ كَلِمَةٖ سَوَآءِۭ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ أَلَّا نَعۡبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشۡرِكَ بِهِۦ شَيۡـٔٗا وَلَا يَتَّخِذَ بَعۡضُنَا بَعۡضًا أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِۚ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُولُواْ ٱشۡهَدُواْ بِأَنَّا مُسۡلِمُونَ﴾ (سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ٦٤)

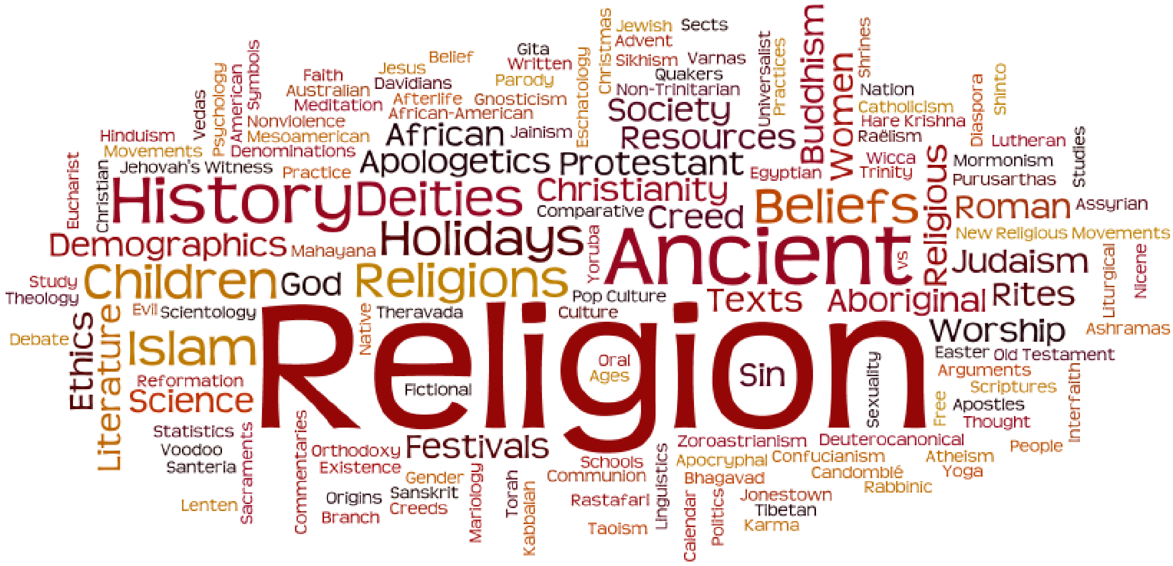
«بگو: ای اهل کتاب! به سوی سخن دادگرانه‌ای که میان ما و شما مشترک است، بیایید و جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و برخی از ما برخی دیگر را به جای خداوند یگانه، به خدایی نپذیرد؛ پس هرگاه (از این دعوت) سر برتابند، بگویید: گواه باشید که ما فرمانبر (اوامر و نواهی خدا) هستیم.»

الله (ﷻ) در آیهٔ فوق می‌فرماید که اهل کتاب نیز به خدای یگانه، ایمان دارند؛ ولی سؤالی پیش می‌آید که ادیانی مثل هندو با آن همه بت و بتکده و خدایان بی‌شمار و مسیحیت نیز با شعار معروف پدر و پسر و روح‌القُدُس، زرتشت با دو خدای شر و نیکِ معروف خود، چگونه ممکن است به وحدانیّت خداوند، معتقد باشند؟ برای پاسخ به این سؤالات، ضرورت دارد کتاب «تعریف خداوند در ادیان بزرگ جهان» اثر دکتر ذاکر عبدالکریم نایک را مطالعه کنیم.

در ترجمهٔ کتاب، سعی شده است از کلمات و افعالی ساده استفاده شود تا برای همه، قابل فهم باشد. این کتاب فی سبیل الله ترجمه شده است؛ پس تکثیر و انتشار آن، در فضای مجازی و حقیقی با ذکر آدرس سایت و تلگرام رد شبهات ملحدین، شرعاً جایز و دارای اجر معنوی است.

مترجم:

بهرام




## مقدمه[1]

همهٔ ادیان را می‌توان به دو دستهٔ **سامی** و **غیر سامی** تقسیم کرد.

**ادیان سامی:** دسته‌ای از ادیان که از سام سرچشمه می‌گیرند. بنا بر اعتراف عهد عتیق، نوح (عليه السلام) پسری به اسم سام داشت که نوادگان سام با اسم سامی، معروف شده‌اند؛ پس ادیانی که در میان اعراب و آشوری‌های بنی‌اسرائیل رواج دارند، جزء ادیان سامی محسوب می‌شوند؛ مانند اسلام، مسیحیت و یهودیت؛ پیروان همهٔ این ادیان، اعتقاد دارند که وحی از طریق خداوند به انبیای آن‌ها نازل شده است.

**ادیان غیر سامی** به دو دسته، تقسیم می‌شوند:

**الف- ادیان آریایی:** این ادیان، بیشتر در میان اقوام ایرانی - هندی رواج داشته‌اند و در میان گروه‌های عظیمی از مردم ایرانی - هندی در میان ایران و غرب هندوستان در سال‌های ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ قبل از میلاد انتشار یافته‌اند.

**ب- ادیان غیر آریایی:** ادیان غیر آریایی شامل انواع مختلفی از ادیان هستند؛ مثلاً ادیان کنفوسیانیسم و تائوئیسم، ادیانی هستند که سرچشمهٔ چینی دارند؛ ولی شینتوئیسم، دینی است که سرچشمهٔ آن در ژاپن است. بسیاری از ادیان غیر آریایی، تعریف واضحی از خدا ندارند و بیشتر به‌عنوان جنبش‌های فکری شناخته می‌شوند تا دین.

ادیان آریایی باز به دو دسته، تقسیم می‌شوند: **ادیان ویدیکی**[2] و **ادیان غیر ویدیکی**[3]. ادیان ویدیکی به اشتباه، ادیان هندویی نامیده می‌شوند؛ در حالی که خودِ دین هندو، زیرشاخهٔ ادیان ویدیکی است. دین برهمایی هم یکی از انواع ادیان ویدیکی است. سیک، بودایی و جینیسم[4] نیز از تعدادی از ادیان غیر

---

۱- برای این کتاب، هیچ مقدمه‌ای ننوشتم هرچند که در نظر داشتم صفحاتی را به زندگی دکتر ذاکر نایک، اختصاص دهم که البته با توجه به کمبود وقت و وجود منابع و کلیپ‌های فراوان در این مورد، از آن صرف نظر کردم. (مترجم)

۲- Vedic

۳- Non-Vedic

٤- Jainism (از ادیان کهن در هندوستان که عملاً اعتقادی به خداوند ندارند.)

ویدیکی‌اند. تقریباً تمام ادیان آریایی، دین‌های بدون پیامبر هستند. دین زرتشتی هم یک دین آریاییِ غیر ویدیکی است؛ ولی ادعا دارند که زرتشت[۱]، پیامبر بوده است.

## بهترین تعریف برای خداوند در ادیان مختلف

بر اساس اعتقاداتِ پیروان یک دین، نمی‌توان به تعریف خداوند در آن دین دست یافت؛ زیرا اکثریت پیروان ادیان، نسبت به صفات و ویژگی‌های خداوند در کتب دینی خودشان، بی‌اطلاع هستند؛ پس همیشه بهترین راه برای دست یافتن به حقیقت یک دین، مطالعهٔ کتب مقدّس آن دین است؛ بنابراین، بیایید برخی از ادیان را مورد بررسی قرار دهیم تا بدانیم در مورد خداوند و ویژگی‌ها و صفاتش چه گفته‌اند.

## تعریف خداوند در دین هندو



پرطرفدارترین دین در میان ادیان آریایی، دین هندو است. «هندو» در حقیقت، یک کلمه با ریشهٔ فارسی است که به معنی سرزمین‌های پست از درهٔ «هند» می‌باشد. امروزه کلمهٔ هندو به معنی دینی مختص به مردمان این سرزمین است. اساسی‌ترین کتب مذهبی این آئین عبارتند از **«ویداس»**[۲]، **«اوپانیشاد»**[۳] و **«باگوت‌گیتا»**[٤].

## تعدادی از ویژگی‌های خداوند در دین هندو

در حقیقت، دین هندو از جمله مشرک‌ترین ادیان جهان است. بسیاری از پیروان، داعیان و علمای این دین اعتقاد دارند که چندین خدا وجود دارد؛ به‌طوری که برخی از هندوها، اعتقاد به وجود ۳۳ خدا و برخی دیگر اعتقاد به وجود ۳۳ میلیون خدا دارند؛ اما آن دسته از هندوهایی که کتب دینی خودشان را مطالعه کرده‌اند و از اساس دین هندو مطلع هستند، اعتقاد راسخی دارند که باید تنها به یک خداوند اعتقاد داشته باشند و تنها یک خداوند را عبادت کنند.

یکی از بارزترین اختلافات میان مسلمانان و هندوها، اعتقاد «وحدت وجودی» در میان هندوهاست؛ به عبارت دیگر، هندوها اعتقاد دارند که هرچه در این جهان وجود دارد، از جاندار و بی‌جان، بخشی از خداوند هستند و باید مورد تکریم قرارگیرند. آری! در این دین، انسان، حیوان، درخت، سنگ و ... بخشی از خدایند. برای یک هندو هرچیزی می‌تواند یک خدا باشد؛ اما برخلاف هندوها، مسلمانان اعتقاد دارند که هرچه در جهان وجود دارد، نه تنها بخشی از خداوند نیست؛ بلکه از مخلوقات خداوند است؛ به همین دلیل، مسلمانان اعتقاد دارند که همهٔ عالم از خورشید، ستاره‌ها، انسان، گیاهان و ...، همه، مُلک خداوندند و به وسیلهٔ خداوند خلق شده‌اند. قرآن بهترین دلیل بر این ادعا است که نباید هیچ‌چیزی را به جز الله عبادت کرد.

حال به مسائل مشترک میان دین هندو و دین اسلام می‌پردازیم.

---

۱- برخی از موبَدان زرتشتی به‌مانند موبد نیکنام اعتقاد دارند که زرتشت پیامبر نبوده است. (مترجم)

۲- Vedas

۳- The Upanishad

٤- Bhagwad Geeta

**باگوت‌گیتا**

این کتاب، مشهورترین و معتبرترین کتب در میان همهٔ هندوهاست. در آن چندین آیه وجود دارد که مخالف چندخدایی است و اشاره می‌کنند که فقط و فقط یک خدا وجود دارد.

در کتاب باگوت‌گیتا، بخش ۷، آیهٔ ۲۰ می‌خوانیم:

**«کسانی که از عقل خود برای کسب مال و ثروت اندوزی استفاده می‌کنند، خود را تحت امر نیمه خدایان قرار داده‌اند و خدایان تقلبی که پیرو و تحت امرشان هستند، با خُلقیات و طبیعتشان سازگار است.»**

در اینجا به خوبی بیان شده است که کسانی که دنبال مادیّات و شهوات هستند، خدای حقیقی را نمی‌پرستند؛ بلکه خدایان دروغین را می‌پرستند.

**اوپانیشاد**

اوپانیشاد نیز از جمله کتب مشهور و معتبر هندوهاست که به چند آیه از آن، اشاره می‌کنیم:

**«او تنهاست و دوتا نیست.»**[۱]

**«او نه همسری دارد و نه شریکی.»**[۲]

**«هیچ همتا و همانندی ندارد.»**[۳]

**«او هیچ همتا و همانندی ندارد و اسم او بزرگ و سربلند است.»**[٤]

آیات بالا را با چند آیه از قرآن مقایسه می‌کنیم:

﴿وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ﴾[۵] «و کسی همتا و همگون او نیست.»

﴿لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ﴾[٦] «هیچ‌چیزی همانند خدا نیست و او شنوا و بیناست.»

در آیه‌ای دیگر از اوپانیشاد می‌خوانیم:

**«تصویر او هرگز دیده نشده است؛ هیچ‌کس او را به چشم خود ندیده است؛ کسانی که با عقل و دل او را می‌شناسند، آن‌ها پیوندی محکم ساخته‌اند که همیشه پابرجاست.»**[۷]

در قرآن هم بدین شکل می‌خوانیم:

---

۱- اوپانیشاد، بخش ٦، آیات ۱ و ۲.
۲- اوپانیشاد، بخش ٦، آیهٔ ۹.
۳- اوپانیشاد، بخش ٤، آیهٔ ۱۹.
٤- اوپانیشاد، صفحات ۷۳٦ و ۷۳۷.
۵- سورهٔ اخلاص، آیهٔ ٤.
٦- سورهٔ شوریٰ، آیهٔ ۱۱.
۷- اوپانیشاد، بخش ٤، آیهٔ ۲۰

﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾[1] «چشم‌ها او را درنمی‌یابند و او چشم‌ها را درمی‌یابد (و به همهٔ دقائق و رموز آن‌ها آشناست) و او دقیق (است و با علم کامل و ارادهٔ شامل خود، به همهٔ ریزه‌کاری‌ها، آشنا و از همهٔ چیزها) آگاه است.»

**ویداس**

ویداس معتبرترین و قابل قبول‌ترین کتب در میان هندوهاست و شامل چهار کتاب است: **«ریگ‌وِد»**[2]، **«یاجوروِد»**[3]، **«سام‌وِد»**[4] و **«آسارواوِد»**[5].

**یاجوروِد**

آیه‌ای از این کتاب:

**«هیچ‌چیزی مانند او نیست.»**[6]

در آیه‌ای دیگر به این اذعان می‌کند که خداوند از کسی زاده نشده است:

**«او زاده نشده است و بلندمرتبه و صاحب جلال است و تمام اشیا و خورشید را نگه داشته است و هیچ‌گاه به ما آسیب نمی‌زند. این دعا و عبادت من است. او سزاوار پرستش است.»**[7]

در بخشی دیگر، دعایی بدین مضمون می‌خوانیم:

**«ما را به راه راست هدایت فرما و گناهانی را که باعث گمراهی و انحراف ما می‌شود، از ما دور گردان.»**[8]

در جایی دیگر می‌خوانیم:

**«آن‌ها به تاریکی می‌روند؛ آن‌هایی که اشیا را می‌پرستند؛ آن‌هایی که ساخته‌های دست بشر را می‌پرستند، به تاریکی عمیق‌تری فرو می‌روند.»**[9]

**«او جسم نیست و پاک است.»**[10]

**آسارواوِد**

آیه‌ای از این کتاب:

**«به راستی که خداوند، بلندمرتبه است.»**[11]

این بخش از کتاب آسارواود به این آیهٔ قرآن شباهت دارد:

---

۱- سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۰۳.

۲- Rig Ved

۳- Yajur Ved

٤- Sam Ved

۵- Atharva Ved

٦- یاجورود، بخش ۳۲، آیهٔ ۳.

۷- یاجورود، بر اساس نسخهٔ دوی‌جاد (Devi Jad)، صفحهٔ ۳۷۷.

۸- یاجورود، بخش ٤۰، آیهٔ ١٦.

۹- یاجورود، بخش ٤۰، آیهٔ ۹.

۱۰- یاجورود، بخش ٤۰، آیهٔ ۸.

۱۱- آسارواود، ۲۰ ۵۸ آیهٔ ۳.

﴿وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ﴾[1] «و خدا دارای قدرتی بی‌انتها و کیفری سخت و دردناک است.»

## ریگ‌وِد

این کتاب از سه کتاب قبلی، قدیمی‌تر و معتبرتر است و نزد هندوها بسیار مقدس است و در آن آمده است:

**«راهبان تنها یک خداوند را با صفات مختلفی می‌خوانند.»**[2]

در این کتاب بیشتر از ۳۳ صفت برای خداوند ذکر شده است که یکی از این صفت‌ها، «برهما» است و به معنی خالق است. مسلمانان در این مورد هیچ مشکلی با آن ندارند؛ ولی مشکل اساسی این است که اعتقاد دارند خداوند چهار سر دارد.

یکی دیگر از صفات خداوند در این کتاب، «ویشنو» است که به معنی رب یا پروردگار است؛ این صفت نیز صفت زیبایی است و ما مسلمانان با این صفات زیبا، مشکلی نداریم؛ مشکل این است که اعتقاد دارند خداوند چهار دست دارد و در دست راست خود یک حلقه دارد و در دست چپش یک حلزون یا یک مار؛ ما مسلمانان هیچ تجسم و تصوری از خدا را نمی‌پذیریم.

در کتاب یاجورود نیز اشاره است که:

**«هیچ‌چیزی مانند او نیست.»**[3]

آیه‌ای دیگر از کتاب ریگ‌ود:

**«ای دوستان! هیچ‌کس را به غیر  از خداوند یکتا، عبادت نکنید.»**[4]

این آیات به ما کمک می‌کنند تا اعتقادات اصلی دین هندو را در مورد مفهوم خداوند بدانیم.

## دین سیک

دین سیک، یک دین غیر سامی، آریایی و غیر ویدیکی است. هرچند که این دین جزء ادیان قدیمی نیست؛ ولی از دین هندو منشعب شده است که راهب هندو، «گورو نانک»[5]، در سال‌های پایانی سدهٔ ۱۵ میلادی ایجاد کرد؛ این دین در مناطقی مثل پاکستان و شمال غرب هندوستان معروف به پنچآب گسترش یافت. گورو نانک از مادری هندو در «کشاتریا»[6] به دنیا آمد و از مسلمانان و اسلام بسیار تأثیر پذیرفت.

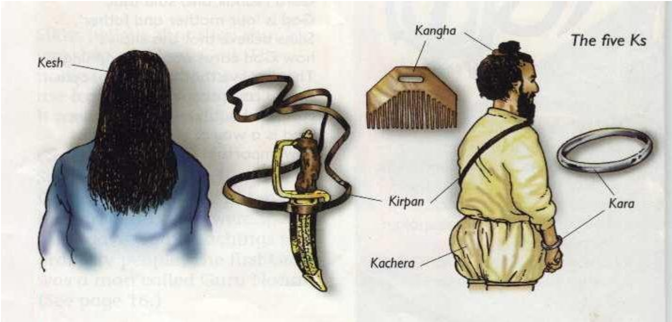
سیک از کلمهٔ «سیسیا»[7] به معنی مرید یا پیرو، مشتق شده است. دین سیک به دین «۱۰ گورو» یا «۱۰ راهب» مشهور است. اولین راهب، «گورو نانک» و دهمین و آخرین راهب، «گورو گوبیند سینگ»[8] بود.

---

۱- سورهٔ رعد، آیهٔ ۹.
۲- ریگ‌ود، ١:١٤٦:٦٤.
۳- یاجورود، بخش ۳۲، آیهٔ ۳.
٤- ریگ‌ود، ۸:۱:۱.
٥- Guru Nanak
٦- Kshatriya
٧- Sisya
٨- Guro Gobind Singh

کتب مقدس سیک‌ها «سْری گورو گرانت»[۱] نام دارد؛ البته به این کتاب، «آدی گرانت ساحیب»[۲] نیز گفته می‌شود.

هر سیک باید پنج «ک» را در زندگی روزمرهٔ خود رعایت کند که نشانهٔ مشترک همهٔ سیک‌هاست و عبارتند از:




۱- **کیش**[۳]: باید همهٔ گوروها موی سر بلند داشته باشند و آن را کوتاه نکنند.

۲- **کانغا**[٤]: باید از موهای سرشان به پاکی نگه‌داری کنند و آن را شانه کنند.

۳- **کادا**[٥]: باید برای قوی نگه‌داشتن بدن و مراقبت از آن‌ها، النگوی فلزی یا استیل در دست کنند.

٤- **کیرپان**[٦]: باید همواره یک چاقو برای محافظت از خود، همراه داشته باشند.

٥- **کاچا**[۷]: برای اینکه چالاکی آن‌ها افزایش یابد، باید بالاپوشی بلند که تا زانوهایشان پایین بیاید، بپوشند.

**مولمانترا**[۸]

بهترین روشی که بتوان تعریف خداوند را در دین سیک به دست آورد، «مولمانترا» نام دارد که این موارد در دوران گورو گرانت ساحیب (یکی از ۱۰ گورو) بنیان نهاده شد.

در کتابِ سْری گورو گرانت ساحیب، جلد اول، آیهٔ اول آمده است:

**«تنها یک خدا وجود دارد که به آن خالق گفته می‌شود. او از ترس و نفرت به دور است و از ازل وجود داشته است و از کسی زاده نشده است. او بلندمرتبه و رحیم است.»**

دین سیک به پیروان خود می‌گوید که فقط یک خدا وجود دارد که قدرت‌مند است و قابل دیدن نیست که به این صفت «ایک اومکار»[۹] گفته می‌شود.

در حالت اومکارا[۱۰] خداوند چند صفت دارد:

---

۱- Sri Guru Granth
۲- Adi Granth Sahib
۳- Kesh
٤- Kangha
٥- Kada
٦- Kirpan
۷- Kaccha
۸- Mulmantra
۹- Ek Omkar
۱۰- Omkara

۱- **کارتار**[۱]: خالق

۲- **ساحیب**[۲]: پروردگار

۳- **آکال**[۳]: ابدی

٤- **ساتاناما**[٤]: نام مقدس

۵- **پروردیگار**[۵]: مراقب

٦- **رحیم**[٦]: بخشنده

۷- **کریم**[۷]: سخاوت‌مند

همچنین به خداوند، «وَهی گورو»[۸] هم گفته می‌شود؛ به معنی خداوند یکتا و حقیقی.

علاوه بر اینکه دین سیک بر یکتاپرستی بسیار اصرار دارد، به «آواتاراوادا»[۹] نیز اعتقاد دارد و سیک‌ها می‌گویند خداوند هیچ‌گاه به شکل انسان درنمی‌آید. دین سیک به شدت برضد بت‌پرستی است.

**تأثیرپذیری گورو نانک از سانت کبیر**

گورو نانک، مؤسس دین سیک از سانت کبیر بسیار تأثیر پذیرفته است؛ به‌طوری که برخی از ابیات شعرهای او را در کتاب «گورو سانت ساحیب» آورده است؛ به‌عنوان مثال:

**«همهٔ انسان‌ها در هنگام مشکلات خداوند را به یاد دارند؛ اما هیچ‌کس در هنگام خوشی، خداوند را به یاد نمی‌آورد؛ آیا کسی که در هنگام خوشی خداوند را به یاد داشته باشد، دچار مشکلات می‌شود؟»**

این بخش، با آیاتی از قرآن تا حدودی مطابقت دارد؛ به‌عنوان مثال:

﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِن قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَندَادًا لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ﴾[۱۰] «هنگامی که گزندی متوجّه انسان می‌گردد، پروردگار خود را به فریاد می‌خواند و تضرّع‌کنان رو به درگاه او می‌آورد؛ سپس هنگامی که نعمت بزرگی از جانب خود، بدو داد (و شقاوتِ او را به سعادت و ناخوشیِ وی را به خوشی تبدیل کرد)، خدا را که قبلاً به فریاد می‌خواند، فراموش می‌کند (و گزند را از یاد می‌برد و به ترک دعا می‌گوید) و برای خدا همتایانی قرار می‌دهد تا (هم خود را و هم مردمان را با آن) از راهِ او، به در بَرَد و گمراه کند. (ای پیغمبر! به چنین فردی) بگو: اندک روزگاری از کفر خود، بهره‌مند شو (و با آن خوش بگذران؛ امّا بدان که) تو از دوزخیانی.»

---

۱- Kartar
۲- Sahib
۳- Akal
٤- Sattanama
۵- Parvardigar
٦- Rahim
۷- Karim
۸- Wahe Guru
۹- Avataravada

۱۰- سورهٔ زمر، آیهٔ ۸.

## تعریف خداوند در دین زرتشتی



دین زرتشتی از کهن‌ترین ادیان آریایی است که ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد در ایران، رواج یافته است. تعداد پیروان این دین بسیار کم هستند و تقریباً ۱۳۰ هزار نفر در سرتاسر جهان پیرو این دینند. زرتشتیان ادعا دارند که زرتشت پیامبر آنانست و کتب مقدس آن‌ها، «دساتیر» و «اوستا» نام دارد.

در دین زرتشتی به خداوند «اهورامزدا» گفته می‌شود؛ کلمهٔ «اهورا» به معنای خداوند و «مزدا» به معنای داناست و «اهورامزدا» به معنای «خداوند دانا» است.

### خصوصیت خداوند بر طبق کتاب دساتیر

خداوند یکتاست. خداوند مانند و همتایی ندارد. آغاز و پایانی ندارد. او همسر و پدر و مادری ندارد. او جسم و تصویری ندارد. نه چشم‌ها او را می‌بینند و نه ذهن‌ها توان تصور او را دارند. او از همهٔ مهربانی‌هایی که به ذهن و فکر ما خطور کند، مهربان‌تر است. او از خود ما به ما نزدیک‌تر است.

### خصوصیت خداوند بر طبق کتاب اَوِستا

بر طبق اوستا و طبق «گات‌ها» و «یسنا»، اهورامزدا دارای صفت‌های مختلفی است که عبارتند از: **خالق**[۱]؛ **بزرگ و قدرتمند**[۲]؛ **مهربان و دلسوز**[۳]؛ **بخشنده**[٤].

## تعریف خداوند در دین یهود



دین یهودی از جمله ادیان اولیهٔ سامی است و پیروان این دین به یهودی معروف هستند و ادعای پیروی از موسی (علیه‌السلام) را دارند.

برخی آیاتی که در ذیل ذکر شده‌اند، از پنج کتب اولیهٔ تورات به اسم «اسفار خمسه» انتخاب شده‌اند که این کتب مورد تایید مسیحیان و یهودیان است.

**«ای اسرائیل! بشنو که یَهُوَه، خدای ما، یَهوهِ واحد است.»**[۵]

**«من یَهوه هستم و غیر از من، نجات دهنده‌ای نیست.»**[٦]

---

۱- یسنا، بخش ۳۱، آیهٔ ۱۱ و ۷؛ بخش ٤٤، آیهٔ ۷؛ بخش ۵۰، آیهٔ ۱۱؛ بخش ۵۱، آیهٔ ۷.
۲- یسنا، بخش ۳۳، آیهٔ ۱۱؛ بخش ٤۵، آیهٔ ٦.
۳- یسنا، بخش ۳۳، آیهٔ ۱۱؛ بخش ٤۸، آیهٔ ۳.
٤- یسنا، بخش ٤۵، آیات ٤، ۵، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳ و ۱۵؛ بخش ٤٤، آیهٔ ۲؛ بخش ٤۵، آیهٔ ۵؛ بخش ٤٦، آیهٔ ۹؛ بخش ٤۸، آیهٔ ۳.
۵- کتاب تثنیه، بخش ٦، آیهٔ ٤.
٦- کتاب اشعیا، بخش ٤۳، آیهٔ ۱۱.

**«من یهوه هستم و غیر از من خدای دیگری نیست.»**[1]

**«زیرا من، خداوند قادر مطلق هستم و هیچ‌کس نظیر من نیست.»**[2]

آیین یهود از مخالفین بت‌پرستی است و این آیات، دلیلی بر این مدعاست:

**«تو را خدایان دیگری غیر از من نباشد. هیچ تمثال و صورتی تراشیده از آنچه در آسمان و زمین است و آنچه در آب و زیرزمین است، برای خود مساز و آن‌ها را سجده نکن و آن‌ها را عبادت نکن؛ زیرا من، یَهوه، خدای تو هستم.»**[3]

آیاتی شبیه این در کتاب تثنیه، تکرار شده است:

**«تو را خدایان دیگر، غیر از من نباشد. صورتی تراشیده و هیچ تمثیلی از آنچه در آسمان و زمین است و آنچه در آب و زیرزمین است، مساز؛ آن‌ها را سجده و عبادت نکن؛ زیرا من، یَهوه، خدای تو هستم.»**[4]

## تعریف خداوند در دین مسیحیت

مسیحیت نیز یکی از ادیان سامی است که گفته می‌شود، نزدیک به دو میلیارد پیرو در سرتاسر جهان دارد. عیسی (علیه‌السلام) از جمله پیامبرانی است که در اسلام، جایگاه ویژه‌ای دارد و اسلام تنها دینی است که عیسی (علیه‌السلام) را پیامبر خداوند می‌داند.

قبل از اینکه به تعریف خداوند در دین مسیحیت بپردازیم، دیدگاه اسلام را دربارهٔ پیامبر عیسی (علیه‌السلام) به‌طور خلاصه، بیان می‌کنیم.

در اسلام، ایمان آوردن به نبوت عیسی (علیه‌السلام) بخشی از ایمان است؛ یعنی هیچ مسلمانی وجود ندارد که منکر نبوت او باشد.

ما اعتقاد داریم که عیسی (علیه‌السلام) یکی از انبیای عظیم‌الشأن بوده است. ما تولد عیسی (علیه‌السلام) را یک معجزه می‌دانیم. مادرش مریم (علیهاالسلام) بدون ازدواج با هیچ مردی او را به دنیا آورده است و جالب اینکه بسیاری از مسیحیان امروزی به این امر اعتقاد ندارند.

ما اعتقاد داریم که حضرت عیسی (علیه‌السلام) کورها را بینا می‌کرد و مردگان را زنده می‌کرد؛ ولی همهٔ این معجزات را به اذن و دستور اللّٰه انجام می‌داد.

ممکن است کسی بپرسد، اگر اسلام و مسیحیت هر دو به عیسی (علیه‌السلام) اعتقاد دارند و مورد احترام هر دو دسته است، چرا میان مسلمانان و مسیحیان تا این حد، اختلاف وجود دارد؟ اختلاف اصلی میان اسلام و مسیحیت این است که مسیحیان، عیسی (علیه‌السلام) را خدا می‌دانند؛ این در حالی است که عیسی (علیه‌السلام) هیچ‌گاه مردم را به عبادت خودش دعوت نکرد و در هیچ‌کدام از آیات انجیل، آیه‌ای وجود ندارد که عیسی (علیه‌السلام) گفته باشد: «من خدا هستم.» و یا «من را بپرستید.». بهتر است چند آیهٔ انجیل را با هم بررسی کنیم:

---

۱- کتاب اشعیا، بخش ٤۵، آیهٔ ۵.
۲- کتاب اشعیا، بخش ٤٦، آیهٔ ۹.
۳- کتاب خروج، بخش ۲۰، آیات ۳ تا ۵.
٤- کتاب تثنیه، بخش ۵، آیات ۷ تا ۹.

**«پدر از من بزرگ‌تر است.»[1]**

**«پدرم بزرگ‌تر از همه است.»[2]**

**«من به روح خداوند، دیوها را بیرون می‌کنم.»[3]**

**«هر آینه، ملکوت خداوند بر شما آمده است.»[4]**

**مأموریت عیسی (علیه السلام) تکمیل‌کردن شریعت بود.**

پیامبر عیسی، هرگز دعوت به خدایی خود نکرد؛ بلکه خداوند او را مبعوث کرد تا شریعت‌های قبل از خود را کامل کند؛ چیزی که در انجیل به وضوح بیان شده است:

**«گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات و مصحف انبیا را باطل سازم؛ بلکه آمده‌ام تا آن را تکمیل کنم. هر آینه، به شما می‌گویم تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه و نقطه‌ای از تورات زایل نخواهد شد تا همه، واقع شود؛ پس کسی این احکام را کوچک بشمارد و به مردم چنین تعلیم دهد، در ملکوت آسمان کمترین شمرده می‌شود؛ اما هرکه به آن عمل کند و به مردم چنین تعلیم دهد، به او در ملکوت آسمان، اجر بزرگ داده خواهدشد.»[5]**

**خداوند عیسی (علیه السلام) را مبعوث کرده‌اند.**

در انجیل در مورد وحی نازل‌شده بر عیسای نبی، آیاتی ذکر شده است:

**«کلامی که می‌شنوید، از من نیست؛ بلکه از پدری است که برای ما فرستاده است.»[6]**

**«و حیات جاودانی این است که تو خدای واحِد حقیقی و عیسی مسیح فرستادی. او را بشناسید.»[7]**

عیسی (علیه السلام) کوچک‌ترین تشبیه خود به خداوند را رد کرده است. در انجیل متیٰ مطلب جالبی نقل‌شده است که شخصی به نزد عیسی مسیح (علیه السلام) می‌رود و به او می‌گوید: «نیکو» و عیسی مسیح نیز در جوابش می‌گوید: «فقط خداوند نیکو است؛ نه من».

**«ناگاه شخصی آمده، وی را گفت: «ای استاد نیکو! چه عمل نیکو کنم تا حیات جاودانی یابم؟» وی را گفت: «از چه سبب مرا نیکو گفتی؟ حال آن که کسی نیکو نیست؛ جز خدا؛ لیکن اگر بخواهی داخل حیات شوی، احکام را نگه دار.»»[8]**

این آیات تنها تعدادی از آیات انجیل بود که به صورت واضح خدابودن عیسی (علیه السلام) و قربانی‌شدن او را برای نجات بشریت رد می‌کند. عیسی (علیه السلام) ده فرمان داده است که با اجرای آن به سعادت برسند.

---

۱- انجیل یوحانا، بخش ۱٤، آیهٔ ۲۸.
۲- انجیل یوحانا، بخش ۱۰، آیهٔ ۲۹.
۳- انجیل متیٰ، بخش ۱۲، آیهٔ ۲۸.
٤- انجیل متیٰ، بخش ۱۱، آیهٔ ۲۰.
۵- انجیل متیٰ، بخش ۵، آیات ۱۷ تا ۱۹.
٦- انجیل یوحانا، بخش ۱٤، آیهٔ ۲٤.
۷- انجیل یوحانا، بخش ۱۷، آیهٔ ۳.
۸- انجیل متیٰ، بخش ۱۹، آیات ۱٦ و ۱۷.

**عیسی ناصری، برگزیدهٔ خداوند است.**

آیاتی که در انجیل ذکر شده‌اند، حقانیت قرآن را اثبات می‌کنند که طبق قرآن، عیسی (علیه السلام) یک پیامبر است.

اولین فرمان از فرمان‌های ده‌گانه این است که خداوند، واحد است.

**«بشنو ای بنی‌اسرائیل! خدای ما خدای واحدی است.»**[1]

## تعریف خداوند در دین اسلام

اسلام هم یکی دیگر از ادیان سامی است که بیشتر از یک میلیارد و دویست میلیون پیرو در سراسر جهان دارد. اسلام به معنی تسلیم‌شدن در برابر اوامر و شریعت اللّه است و مسلمانان اعتقاد دارند که قرآن، کلام اللّه است که بر پیامبر اسلام، محمد (صلی الله علیه و سلم) نازل شده است. در اسلام به صورت آشکارا ذکر شده است که اللّه، پیامبرانی را در طول تاریخ بر مردمانی مختلف فرستاده است که همهٔ آن‌ها یک پیام واحد داشته‌اند و پیام واحد تمام انبیا این بود: **ایمان‌داشتن به خدای یگانه و ایمان‌داشتن به روز رستاخیز**؛ به همین دلیل، در اسلام، ایمان آوردن به پیامبران قبلی، یکی از ارکان ایمان است.

## کوتاه‌ترین و بهترین تعریف خداوند

کوتاه‌ترین تعریف خداوند در اسلام در چهار آیهٔ سورهٔ اخلاص ذکر شده است:

﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ ﴿١﴾ ﴿ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ﴾ ﴿٢﴾ ﴿لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ﴾ ﴿٣﴾ ﴿وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ﴾ ﴿٤﴾

«بگو خدا، یگانهٔ یکتا است. خدا، سَرورِ والای برآورندهٔ امیدها و برطرف‌کنندهٔ نیازمندی‌ها است. نه زاده است و نه زاده شده است و کسی همتا و شبیه او نیست.»

**سورهٔ اخلاص، معیار خداشناسی است.**

سورهٔ اخلاص، سورهٔ ۱۱۲ از قرآن است و معیار خداشناسی[2] است. برای هر مسلمانی آیات این سوره، کافی است تا به تعریفِ جامعی از خداوند دست یابد و هرکسی و هرچیزی که ادعای خدایی دارد، باید از فیلترهای ذکر شده در این سوره عبور کند؛ زیرا معیارهای ذکر شده در این سوره، بسیار خاص هستند و هرکس و هرچیزی که مدعی خدایی باشد، توان عبور از معیارهای این سوره را ندارد.

## دیدگاه اسلام در مورد خدابودن انسان‌ها

در هندوستان بسیاری از اوقات، به دسته‌ای از انسان‌ها، خدا گفته می‌شود. در اسلام، هرگونه خدا ذکرکردن انسان‌ها ممنوع است. برای اینکه دیدگاه اسلام را در مورد خدا قراردادن انسان‌ها بدانیم، یکی از این نمونه‌ها را ذکر می‌کنیم؛ یکی از افرادی که ادعای خدایی دارد، «اُشو راجنیش»[3] نام دارد.

---

۱- انجیل مُرقُس، بخش ۱۲، آیهٔ ۲۹.

۲- Theology

۳- Osho Rajneesh



اوشو یکی از رهبران دینی هندی است که در ماه مِی سال ۱۹۸۱ به آمریکا سفر کرد و شهری به نام «راجیش پورام»[1] تأسیس کرد. او در غرب اشتباهات پلیدی داشت و مانع ادامهٔ فعالیت او شدند و از او خواستند تا آمریکا را ترک کند؛ بدین ترتیب او به هندوستان بازگشت و یک گروه را در پوین تشکیل داد که حال به اسم «اوشو» شناخته می‌شود. اوشو در سال ۱۹۹۰ به دیار باقی شتافت.

پیروان اوشو اعتقاد دارند که اوشو «خدا» بوده است. اگر شخصی به مکان‌های تجمعات طرفداران اوشو برود، می‌بینند که بر روی قبر او با پارچه‌ای نوشته‌اند: «**ببینید اوشو خداست؛ او نه به دنیا آمده است و نه از دنیا رفته است؛ بلکه از تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۳۱ تا ۱۹ ژانویهٔ ۱۹۹۰ به این دنیا سفر کرده است.**» اما پیروانش دقت نمی‌کنند که اوشو در مدت زندگانی خود از ۲۱ کشور خارجی، ویزا دریافت و به آن کشورها سفر کرده است. جای تعجب است که اوشو، خدای مورد نظر آنان برای سفرکردن در زمینِ خودش نیاز به ویزا داشته باشد.

اینک نظر طرفداران اوشو که او را خدا می‌دانند، با معیارهای موجود در سورهٔ اخلاص، بررسی می‌شود.

در اولین آیه ذکر شده است:

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾(۱) «بگو: خدا، یگانه و یکتا است.»

آیا اوشو، تک و تنها بوده است؟

در دومین آیه ذکر شده است:

﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾(۲) «خدا، بی‌نیاز است.»

اوشو به هیچ‌وجه در زندگی، بی‌نیاز و ابدی نبوده است؛ زیرا او تا سال ۱۹۹۰ که می‌میرد، دچار بیماری‌های زیادی از جمله تنگی نفس، دیسک کمر، دیابت و ... می‌شود؛ او بارها گفته است که در زندان آمریکا به او سم خورانده شده است. با اندکی تأمل می‌توان دریافت که یک خدای بی‌نیاز و قهار [سم] خورانده شده، نمی‌تواند بی‌نیاز باشد و این موارد اثبات می‌کند که او بی‌نیاز نیست.

آیهٔ سوم می‌فرماید:

﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾(۳) «نزاده است و زاده نشده است.»

ما به خوبی می‌دانیم که اوشو در «جبلپور»[2] به دنیا آمده است. او دارای پدر و مادر بود. پدرش یکی از پیروان و طرفداران او بود و این با مُفاد آیهٔ فوق، سازگار نیست.

چهارمین آیه، سخت‌ترین شرط را بیان می‌کند؛ این آیه می‌فرماید:

﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾(۴) «و کسی همتا و همگون او نیست.»

---

۱- Rajeesh Puram
۲- Jabalpur

ما هرگز نمی‌توانیم خداوند را تصور یا تجسم کنیم؛ ولی می‌بینیم که اوشو دارای ریش سفید پرپشتی بود؛ دو چشم داشت؛ یک بینی داشت و دو گوش. عکس‌ها و پوسترهای اوشو نیز به صورت فراوان وجود دارند. هرگاه تصویری از خدا وجود داشته باشد، بدانید آن شخص، خدا نیست.

**مسلمانان به چه اسمی، خداوند را صدا می‌زنند؟**

مسلمانان خداوند را به اسم «اللّٰه» صدا می‌زنند؛ هرچند که معادل انگلیسی خداوند، «God» است؛ ولی اسم «اللّٰه» یک اسم بی‌نظیر است که هیچ تغییری نمی‌پذیرد؛ در حالی که «God» تغییرپذیر است؛ مثلاً اگر «s» را به «God» اضافه کنیم، این کلمه به «Gods» تغییر پیدا می‌کند و به معنی خدایان است که یک اسم جمع است؛ اما هیچ‌گاه نمی‌توان کلمهٔ «اللّٰه» را جمع بست؛ زیرا اسم «اللّٰه» اسمی بی‌مانند است؛ علاوه بر این اگر کلمهٔ «Dees» را به اسم «God» اضافه کنیم، این کلمه به «Goddees» تبدیل می‌شود که به معنی خدای زن است؛ در حالی که خدا، زن یا مرد و مذکر و مؤنث نیست. ما نمی‌توانیم به کلمهٔ «اللّٰه» چیزی اضافه و یا کم کنیم تا به مؤنث و مذکر تبدیل شود؛ زیرا که کلمهٔ «اللّٰه» هیچ جنسیتی ندارد. اگر کلمهٔ «Tin» را به اسم «God» اضافه کنیم، این کلمه به «Tin-God» تبدیل می‌شود که به معنی خدای دروغین و جعلی است؛ در حالی که به اسم «اللّٰه» نمی‌توان چیزی اضافه کرد تا معنی آن را تغییر دهد.

**آیا خدا می‌تواند به یک انسان تبدیل شود؟**

من می‌گویم اگر خدا به یک انسان تبدیل شود، در این صورت صفت خدایی را از دست می‌دهد و دیگر خدا باقی نمی‌ماند!! چگونه یک چیز می‌تواند هم خدا باشد و هم انسان؟ اسمش چه خواهد بود؟ انسان یا خدا؟ چنین چیزی امکان ندارد.

یکی از صفت‌های خداوند، ابدی است؛ ولی انسان، ابدی نیست و باید بمیرد؛ پس چگونه می‌تواند که هم انسان باشد و هم خدا؟ یعنی هم ابدی باشد و هم مردنی؟! این یک تناقض است.

خداوند، آغاز و پایان ندارد؛ اما انسان، دارای آغاز و پایان است! نمی‌شود که هم انسان بود و هم بی‌پایان! این حرفی پوچ و بی‌معنی است؛ مثل اینکه بگویی یک انسان کوتاه‌قد و دراز!! آیا چنین چیزی امکان دارد؟ چگونه می‌توان در یک زمان هم کوتاه بود و هم دراز؟ هرگز چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد. انسان‌هایی وجود دارند که قدِ بلندی دارند و برخی دیگر، کوتاه‌قد هستند و برخی دیگر متوسطند؛ اما نمی‌شود یک فرد همزمان هر سه صفت را با هم داشته باشد؛ بنابراین امکان ندارد که هم خدا بود و هم انسان؛ برای نمونه، خداوند احتیاجی به خوردوخوراک ندارد؛ ولی انسان برای زنده‌ماندن باید غذا بخورد؛ همان‌طور که اللّٰه در آیهٔ ۱۴ سورهٔ انعام می‌فرماید:

﴿وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ﴾ «و او روزی می‌دهد (و رازق همگان، اوست و همه، بدو نیازمندند) و به او روزی داده نمی‌شود (و نیازمند کسی یا چیزی نیست).»

علاوه بر این انسان به خواب و استراحت نیاز دارد؛ اما خداوند نه می‌خوابد، نه استراحت می‌کند و نه نیازی به استراحت‌کردن دارد؛ همان‌طور که اللّٰه در آیهٔ ۲۵۵ سورهٔ بقره می‌فرماید:

﴿لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ﴾ «او را نه چُرتی و نه خوابی فرا می‌گیرد (و همواره بیدار است و سستی و رَخْوَت بدو راه ندارد).»

اگر خداوند خود را به انسان تبدیل کند، اختیارات و صفات او کم می‌شود و در محدودیت قرار می‌گیرد. اللّه در آیهٔ ٤٠ سورهٔ نساء می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ﴾ «خداوند (به کسی) ذرّه‌ای ظلم روا نمی‌دارد.»

پس اگر بپذیریم که خداوند به انسان تبدیل می‌شود، باید بپذیریم که می‌تواند ظلم کند؛ نعوذبالله! به همین دلیل، اگر کل قرآن را بگردید، نمی‌توانید آیه‌ای را پیدا کنید که گفته باشد: «خداوند هرکاری را انجام می‌دهد.» بلکه در آیات متعددی می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾[1] «بی‌گمان که خداوند بر هرکاری توانا است.»

همچنین در آیهٔ ١٦ سورهٔ بروج، به جای اینکه گفته باشد: «خداوند هرکاری را انجام می‌دهد»، می‌فرماید:

﴿فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ﴾ «آنچه بخواهد، هرچه زودتر و با قدرت هرچه بیشتر به انجام می‌رساند.»

پس اگر بگوییم اللّه هرکاری را انجام می‌دهد، این یک سخن غیر معمول و غیر منطقی است. بسیاری از ادیان تا حدی به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم به این اعتقاد دارند که خداوند به شکل انسان‌هاست. آن‌ها اعتقاد دارند که خداوند بسیار بلندمرتبه، منّزه و بلندپایه است و از کمبودهای انسان‌ها به دور است؛ ولی برای اینکه قوانین را برای بشر نازل کند، مجبور شده است که به شکل انسان‌ها در بیاید. این فکرِ غلط باعث انحراف میلیون‌ها نفر شده است. حال این عقیده را بررسی می‌کنیم تا بدانیم آیا در عقل بشر می‌گنجد که خداوند به شکل انسان باشد؟

**برخی از انسان‌ها کر و کور هستند.**

می‌گوییم عقیده به اینکه خداوند خود را به شکل انسان‌ها درآورده، عقیده‌ای پوچ است و جای هیچ شکی نیست؛ ولی بسیاری از پیروان ادیان دیگر، به این امر اعتقاد دارند و مردم را به آن دعوت می‌کنند. آیا این طرز فکر، نوعی توهین به عقلی نیست که اللّه به انسان بخشیده است؟

این دسته از انسان‌ها در حقیقت کر و کور هستند؛ با وجود اینکه خداوند به آن‌ها چشم و گوش بخشیده است:

﴿صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾[2] «(آنان همچون) کران و لالان و کورانند و (به سوی حق و حقیقت) باز نمی‌گردند.»

در انجیل هم آمده است:

---

١- بخشی از سورهٔ بقره، آیهٔ ٢٠؛ بخشی از سورهٔ بقره، آیهٔ ١٠٩؛ بخشی از سورهٔ بقره، آیهٔ ١٤٨؛....

٢- سورهٔ بقره، آیهٔ ١٨.

**«نگرانند؛ ولی نمی‌بینند و شنوا هستند؛ ولی نمی‌شنوند و نمی‌فهمند.»**[1]

همین پیام در کتب مقدس هندوها نیز تکرار شده است:

**«انسان‌هایی وجود دارند که این کلمات را می‌بینند؛ ولی در حقیقت، گویی که نمی‌بینند و افرادی نیز وجود دارند که این جملات را می‌شنوند؛ ولی گویی که نمی‌شنوند.»**[2]

همهٔ این آیات بر این امر دلالت دارند که برخی افراد با دیدن حقیقت، باز آن را انکار می‌کنند و با آن مخالفت می‌ورزند.

**الله انسان‌ها را به وسیلهٔ انبیا راهنمایی می‌کند.**

الله انسان‌ها را با عقل و شعور، بر سایر مخلوقات، برتری بخشیده است. ما انسان‌ها به وسیلهٔ عقل و هوشِ خود، وسایل جدیدی را اختراع می‌کنیم و کشفیات جدیدی انجام می‌دهیم. تصور کنید که یک شرکت ضبط صوت به همراه محصولش یک دفترچهٔ راهنما نیز ارائه می‌دهد که در این دفترچه، اطلاعاتی را در مورد چگونگی کار با دستگاه و همچنین کارهایی که باعث خرابی دستگاه می‌شود، توضیح داده است.

حال اگر به انسان‌ها به‌عنوان یک ماشین نگاه کنیم، می‌بینیم که انسان از پیچیده‌ترین مخلوقات الله است. الله (ﷻ) هیچ‌گاه به این احتیاج ندارد که به شکل انسان‌ها در بیاید تا بداند که چه چیزی برای انسان‌ها خوب است و چه چیزی برایشان خوب نیست؛ اما لازم است که الله، یک راهنما را برای راهنمایی انسان‌ها بفرستد.

خداوند در روز قیامت، همهٔ ما را برای سؤال و جواب فرا می‌خواند و این در عقل انسانی، چیزی پذیرفته است که الله تعالیٰ، کاری‌هایی که باید انجام داد و کارهایی که نباید انجام داد، همه را در کتاب راهنمایی به اسم «قرآن» برای انسان‌ها نازل کرده است.

الله پیامبران را انتخاب می‌کند. الله نیاز ندارد که به شکل انسان‌ها در بیاید و آن‌ها را راهنمایی کند؛ بلکه در طول تاریخ بشریت در میان امت‌های مختلف، افرادی را انتخاب کرده است تا پیامش را به آن‌ها برسانند. به انسان‌های برگزیدهٔ خداوند، **«پیامبر»** یا **«پیام‌رسانان الله»** گفته می‌شود.

**صفات الله در قرآن ذکر شده است.**

﴿فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾[3] «او دارای نام‌های زیباست.»

همین پیام در بسیاری از آیات دیگر قرآن در مورد اسماءالحسنی الله دوباره تکرار شده است:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾[4] «او خدا است و جز او معبودی نیست. او دارای نام‌های نیکو است.»

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ، هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾[5] «خدا کسی است که جز او

---

۱- انجیل متیٰ، بخش ۱۳، آیهٔ ۱۳.

۲- ریگ‌ود، ۱۰:۷۱:٤.

۳- سورهٔ اسراء، آیهٔ ۱۱۰.

٤- سورهٔ طه، آیهٔ ۸.

۵- سورهٔ حشر، آیات ۲۳ و ۲٤.

پروردگار و معبودی نیست. او فرمانروا، منزه، بی‌عیب و نقص، امان دهنده و امنیت بخشنده، محافظ و مراقب، قدرتمند چیره، بزرگوار و شکوهمند و والامقام و فرازمند است. خداوند دور و مبرا از چیزهایی است که شریک او قرار می‌دهند.»

او خداوندی است که طراح و آفریدگار هستی از نیستی و صورتگر جهان است. دارای نام‌های نیک و زیبا است. آنچه در آسمان‌ها و زمین است، او را تسبیح و تقدیس می‌گویند و او قادر و تواناست.

تعداد اسمای اللّٰه بسیار بیشتر از این است؛ ولی از میان تمامی اَسمایِ خداوند، مهم‌ترین آن‌ها اسم «اللّٰه» است. در قرآن صفت‌هایی مانند «الرحمن»، «الرحیم»، «الودود» و ... ذکر شده است. انسان می‌تواند با هرصفتی که دوست دارد، خداوند را صدا کند؛ ولی به این شروط که این صفات زیبا و پاک باشند و تصوری از این صفت‌ها در ذهنش درست نکند.

**تمام صفت‌های زیبا مختص اللّٰه است و تنها او لایق آن است.**

تنها اللّٰه، لایق این صفات است و تمامی این صفات، به زیبایی، اللّٰه را وصف می‌کنند. بهتر است، با یک مثال، این مورد را بیشتر شرح دهیم؛ زیرا در مثال مناقشه نیست؛ مثلاً فردی معروف مانند «نیل آرمسترانگ» را در نظر می‌گیریم. اگر کسی بگوید نیل آرمسترانگ اهل آمریکا بوده است، این در مورد آرمسترانگ درست است؛ ولی فقط مختص به نیل آرمسترانگ نیست؛ چون که چند میلیون نفر اهل آمریکا هستند؛ پس نمی‌توان با این صفت، او را معرفی کنیم.

همچنین اگر بگوییم آرمسترانگ فضانورد بوده است، این صفت در مورد آرمسترانگ درست است؛ اما این صفت نیز مختص به نیل آرمسترانگ نیست؛ زیرا افراد زیادی فضانورد هستند؛ پس برای اینکه نیل آرمسترانگ را معرفی کنیم، بهتر است صفتی را که فقط مختص اوست، ذکر کنیم؛ مثلاً آرمسترانگ اولین نفری بود که به کرهٔ ماه پا گذاشت. حال اگر کسی بپرسد اولین کسی که بر روی کرهٔ ماه پا گذاشت، چه کسی بود؟ جواب فقط یک نفر است: «نیل آرمسترانگ»؛ بنابراین لازم است که صفات اللّٰه فقط مختص او باشند.

مثلاً اگر بگوییم خالق این ساختمان، این صفت خوبی است و درست است؛ ولی فقط مختص به یک نفر نیست؛ زیرا هزار نفر هستند که ساختمان‌ها را ساخته‌اند؛ پس اگر خداوند را این‌گونه معرفی کنیم، هیچ تفاوتی میان انسان و خدا وجود ندارد.

ولی صفات زیبایی برای خداوند وجود دارند که فقط مختص اوست؛ مثلاً الرحمن، الرحیم و الحکیم. برای همین اگر کسی بپرسد: «چه کسی «الرحیم یعنی بسیار بخشنده» است؟»، ما فقط یک جواب داریم: «اللّٰه».

**صفات خداوند متناقض و متضاد نیستند.**

بگذارید دوباره مثال قبلی «نیل آرمسترانگ» را بررسی کنیم؛ مثلاً اگر کسی بگوید که نیل آرمسترانگ، فضانورد آمریکایی است که به اندازهٔ یک چهارپا است، قسمت اول این توصیف درست است؛ ولی قسمت دومش درست نیست؛ همچنین اگر کسی بگوید «اللّٰه» خالق همهٔ جهان ماست و دارای یک سر و دو دست و دو پا است، قسمت اول توصیفش درست است؛ زیرا اللّٰه خالق همهٔ جهان است؛ ولی قسمت دوم توصیفش اللّٰه را به انسان تشبیه کرده است و درست نیست.

**صفت‌های خداوند باید مختص به یک ذات باشند.**

فقط یک الله وجود دارد؛ پس باید صفت‌های ذکر شده برای الله، مختص به یک ذات باشد؛ مثلاً اگر بگوییم الله، «خالق» جهان است، این درست است؛ ولی اگر بگوییم «الحافظ» هم خدایی دیگر است، این درست نیست؛ چرا که فقط یک خدا وجود دارد و همهٔ اسماءالحسنی، مختص اوست.

## یکتایی خداوند

برخی از ادیان، اعتقاد دارند که بیشتر از یک خداوند وجود دارد؛ ولی این عقیده، دارای اشکالاتی است؛ زیرا اگر چند خداوند وجود داشته باشد، در آن صورت، یک خدا برای بیشترشدن قلمرو و سلطنتش ممکن است به خدایی دیگر حمله کند و او را شکست دهد و یا شکست بخورد که هرکدام از این موارد با صفات خدایی در تعارض است.

برخی از اینان معتقدند که برای هر پدیده‌ای خدایی وجود دارد؛ مثلاً خدای جنگ، خدای باران، خدای رعد و برق و ... و این نیز بسیار عجیب است؛ مثلاً تصور کنید که خدای باران، کارش فقط باراندن باران باشد و از سایر اموری همچون خلقت موجودات، مرگ و میر موجودات و رزق و روزی بی‌خبر باشد؛ حال چطور می‌شود که یک خدا مواردی را نداند؟

در قرآن ذکر شده است:

﴿مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِن وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَٰهٍ إِذًا لَّذَهَبَ كُلُّ إِلَٰهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾[1]

«خداوند نه فرزندی برای خود برگرفته است و نه خدایی با او (انباز) بوده است؛ چرا که اگر خدایی با او می‌بود، هر خدا به آفریدگان خود می‌پرداخت (و در نتیجه، هر بخشی از جهان با نظام خاصی اداره می‌گردید و این با وحدت نظامی که بر سراسر هستی حاکم است، سازگار نمی‌بود) و هریک از خدایان (برای توسعهٔ قلمرو حکومت خود) بر دیگری، برتری و چیرگی می‌جست (و نظام عالَم از هم گسیخته می‌شد و جهان هستی به تباهی می‌کشید). خدا والاتر و بالاتر از آن چیزهایی است که ایشان می‌گویند.»

﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾[2] «اگر در آسمان‌ها و زمین، غیر از الله، معبودها و خدایانی می‌بودند و (امور جهان را می‌گرداندند،) قطعاً آسمان‌ها و زمین تباه می‌گردید (و نظام گیتی به هم می‌خورد؛ چرا که بودن دو شاه در کشوری و دو رئیس در اداره‌ای، نظم و ترتیب را به هم می‌زند)؛ لذا یزدان صاحب سلطنت جهان، بسی برتر از آن چیزهایی است که ایشان (بدو نسبت می‌دهند و) بر زبان می‌رانند.»

تعداد کمی از ادیان مانند بودائی‌ها و کنفوسیانیست‌ها به Agnostic (ندانم‌گرا) معروف هستند؛ یعنی نه وجود خداوند را به‌طور کامل قبول دارند و نه وجود خداوند را منکر می‌شوند؛ یعنی در مورد خداوند، نظر مشخصی ندارند.

---

۱- سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۹۱.

۲- سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۲۲.

**برخی دیگر از ادیان، مانند جینیسم به خداوند هیچ اعتقادی ندارند.**

به امید خداوند به زودی کتابی را به اسم «آیا قرآن کلام خداست؟»[1] منتشر می‌کنم و در آن وجود خداوند را به منکرین وجود خداوند اثبات می‌کنم و همچنین به شبهاتی پیرامون خداوند جواب می‌دهم و از طریق علم و منطق و همچنین آیات قرآن، وجود خداوند را اثبات می‌کنم.

**همهٔ ادیان به یکتاپرستی اعتقاد دارند.**

همهٔ ادیانی که به خداوند اعتقاد دارند، به یکتابودن خداوند ایمان دارند و در کتب همهٔ ادیان این موارد ذکر شده است.

**این انسان‌ها هستند که برای رسیدن به منفعت‌های شخصی، ادیان را تحریف می‌کنند.**

با گذشت زمان، انسان‌ها در متن کتب مقدس تحریفاتی ایجاد کردند تا به منافع شخصی خود دست یابند؛ به همین دلیل، پیروان ادیان از یکتاپرستی به چندخدایی منحرف شدند. اللّٰه در قرآن می‌فرماید:

﴿فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ يَكۡتُبُونَ ٱلۡكِتَٰبَ بِأَيۡدِيهِمۡ ثُمَّ يَقُولُونَ هَٰذَا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ لِيَشۡتَرُواْ بِهِۦ ثَمَنٗا قَلِيلٗاۖ فَوَيۡلٞ لَّهُم مِّمَّا كَتَبَتۡ أَيۡدِيهِمۡ وَوَيۡلٞ لَّهُم مِّمَّا يَكۡسِبُونَ﴾[2] «وای بر کسانی (از اَحبار یهود) که کتاب را با دست خود می‌نویسند و آنگاه می‌گویند (به بی‌سوادان): این (توراتی است که) از جانب خدا آمده است تا به بهای کمی، آن (تحریف‌شده‌ها) را بفروشند! وای بر آنان چه چیزهایی را با دست خود می‌نویسند! و وای بر آنان چه چیزهایی را به چنگ می‌آورند! (این‌گونه نوشته‌ها و کارها، ایشان را به سوی هلاک و عذاب می‌کشاند).»

## توحید (یکتاپرستی)

در اسلام یکتاپرستیِ خاصی وجود دارد که به توحید، معروف است؛ البته یکتاپرستی در اسلام با سایر ادیان، متفاوت است و یکتاپرستی در اسلام به چند بخش تقسیم می‌شود.

همان‌گونه که معلوم است کلمهٔ «توحید» از کلمهٔ «وحده» به معنی یگانه‌بودن مشتق شده است. توحید به سه بخش تقسیم می‌شود: **توحید ربوبیت؛ توحید اسما و صفات؛ توحید العبادة (توحید در عبادت).**

### توحید ربوبیت

اولین بخش از توحید، «ربوبیت» نام دارد. ربوبیت از کلمهٔ «رب» مشتق شده است که به معنای پروردگار یا پرورش‌دهنده است. پایهٔ اصلی این توحید این است که تنها «اللّٰه» خالق همهٔ اشیا است و او به تنهایی و از عدم، همهٔ اشیا را به وجود آورده است. فقط او پروردگار است و گردانندهٔ کل کائنات و هرآنچه در میان آن هست، می‌باشد، بدون آنکه به کمک کسی نیاز داشته باشد.

---

۱- ان شاء اللّٰه کلیپ‌های سخنرانی «آیا خداوند وجود دارد؟» و «آیا قرآن کلام خداست؟» در اسرع وقت ترجمه و زیرنویس شده و در کانال رد شبهات ملحدین و دکتر ذاکر نایک پخش خواهد شد؛ البته تقریباً یک سال است که کلیپ مورد نظر، زیرنویس شده و در یوتیوب، آپارات و تلگرام پخش شده است که با سرچ کردن عبارت «آیا خدا وجود دارد؟» و «آیا قرآن کلام خداست؟» می‌توانید به آن‌ها دست یابید.

۲- سورهٔ بقره، آیهٔ ۷۹.

### توحید اسما و صفات

دومین بخش توحید، «توحید اسما و صفات» نام دارد و بدین معنی است که به همهٔ اسم‌ها و صفات الله متعال ایمان داشته باشیم و خود، شامل پنج بخش است:

**الف- باید خداوند را آن‌گونه توصیف کنیم که خود، در قرآن وصف نموده است:** ما حق نداریم صفتی را به صفات الله اضافه کنیم و یا صفتی را از صفات او کم کنیم؛ مثلاً ما نمی‌توانیم خداوند را «الغاضب» نام ببریم؛ هرچند که الله در قرآن فرموده است که خشمگین می‌شود و امت‌های قبلی را عذاب داده است؛ ولی ما این صفت را برای الله به کار نمی‌بریم؛ چون «الله» و پیامبرش این صفت را به کار نبرده‌اند.

**ب- باید خدا را با صفاتی وصف کنیم که پیامبر (ﷺ) با آن، الله را وصف نموده است.**

**ج- صفات الله هیچ‌گاه شبیه به انسان‌ها نیست:** وقتی که در مورد اسما و صفات خداوند صحبت می‌کنیم، باید از تشبیه‌کردن آن به انسان‌ها بپرهیزیم؛ مثلاً در کتاب پیدایش تورات ذکر شده است که خداوند از کارهای اشتباهی که انجام داده، پشیمان شده است؛ همان‌طور که انسان‌ها وقتی کار اشتباهی انجام می‌دهند، پشیمان می‌شوند. این گفتار، مخالف توحید است. خداوند هیچ‌گاه پشیمان نمی‌شود و معذرت‌خواهی نمی‌کند؛ زیرا هیچ‌گاه کار اشتباهی انجام نمی‌دهد. یکی از پایه‌های اساسی برای صفات خداوند در آیهٔ ۱۱ سورهٔ شوریٰ ذکر شده است:

﴿فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذْرَؤُكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ «او آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین است. او شما را به صورت مرد و زن و چهارپایان را به شکل نر و ماده درآورده است و بدین‌وسیله بر آفرینش شما (انسان‌ها و تولید و تکثیر نسل حیوان‌ها) می‌افزاید. هیچ‌چیزی همانند خدا نیست (و نه او در ذات و صفات به چیزی از چیزهای آسمان و زمین می‌ماند و نه چیزی از چیزهای آسمان و زمین در ذات و صفات بدو می‌ماند) و او شنوا و بینا است (و پیوسته بر کارگاه جهان نظارت می‌نماید و از جمله زاد و ولد انسان‌ها و حیوان‌ها را می‌پاید).»

ما وقتی که صفات خداوند را با صفات انسان‌ها مقایسه می‌کنیم، شاهد تفاوت‌های بسیاری خواهیم بود؛ مثلاً وقتی که در مورد سمع و بصر در انسان‌ها سخن می‌گوییم، دیدن و شنیدنی محدود است؛ ولی سمع و بصر خداوند حد و مرزی ندارد.

**د- نباید صفاتِ مختصِ خداوند را به انسان‌ها نسبت داد:** وقتی که صفاتِ مختص خداوند را به انسان‌ها نسبت دهیم، این کار کاملاً مخالف توحید است؛ مثلاً ما نباید شخصی را «ابدی» و یا«ازلی» بنامیم؛ چرا که هیچ‌کس به جز الله، ابدی و ازلی نیست.

**هـ- نباید انسان‌ها را با صفات خداوند نام‌گذاری کرد:** برخی از اسمای الهی مانند «رئوف» و «رحیم» را شریعت اسلامی اجازه داده است که بر انسان‌ها گذارده شوند؛ آن هم به شرطی که قبل از اسم، صفت «عبد» را اضافه کنیم؛ مثلاً «عبدالرئوف» یا «عبدالرحیم».

### توحید در عبادت

«توحید در عبادت» به معنی یکتاپرستی در عبادت الله است؛ به‌طور خلاصه، توحید در عبادت به معنی این است که آنچه را پروردگار به ما امر کرده است، با جان و دل بپذیریم و آنچه از آن نهی کرده است، انجام ندهیم؛ باید تمام عبادات ما فقط برای الله باشد و هیچ‌کس را در عبادت با او شریک قرار ندهیم.

**هر سه بخش توحید را باید با هم ادا کنیم.**

اگر ما دو بخش اول توحید را به خوبی ادا کنیم و بخش توحید در عبادت را رعایت نکنیم، آن وقت عبادات ما سودی نخواهد داشت؛ چرا که در دوران پیامبر (ﷺ) افرادی بودند که به دو توحید اولیه، ایمان داشتند؛ ولی توحید در عبادت را رعایت نمی‌کردند و به‌عنوان مؤمن محسوب نمی‌شدند.

در سورهٔ یونس، آیهٔ ۳۱ ذکر شده است:

﴿قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّن يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَن يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ «بگو: چه کسی از آسمان (به وسیلهٔ اشعّه و باران) و از زمین (به وسیلهٔ فعل و انفعالات خاک و رویش گیاهان و درختان و میوهٔ آن‌ها) به شما روزی می‌رساند؟ یا چه کسی بر گوش و چشم‌ها توانا است (و آن‌ها را می‌آفریند و بدان‌ها نیروی شنوایی و بینایی می‌دهد)؟ یا چه کسی زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد (و حیات و ممات در دست او است)؟ یا چه کسی امور (جهان و جهانیان) را می‌گرداند؟ (مشرکین پاسخ خواهند داد و) خواهند گفت: آن خدا است؛ (چرا که آفریدگار جهان و روزی‌رسان مردمان و مدبّر کار و بار هستی، به اقرار وجدان بیدار، خداوند دادار است)؛ پس بگو: آیا نمی‌ترسید و پرهیزگار نمی‌شوید؟»

همین مورد دوباره در سورهٔ زخرف تکرار شده است:

﴿وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ﴾[1] «اگر از مشرکان بپرسی، چه کسی آنان را آفریده است، با تأکید می‌گویند: خدا! پس چگونه (از عبادت حق تعالیٰ) منحرف می‌شوند (و متوجّه پرستش چیزهای دیگری می‌گردند)؟!»

مشرکان مکه نیز به الله ایمان داشتند و او را خالق زمین و آسمان‌ها می‌دانستند؛ ولی در عبادات خود بت‌ها را با خداوند شریک قرار می‌دادند؛ به همین دلیل، آن‌ها مشرک، کافر و بت‌پرست نامیده شده‌اند.

﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُم بِاللَّهِ إِلَّا وَهُم مُّشْرِكُونَ﴾[2] «و اکثر آنان که مدّعی ایمان به خدا هستند، مشرک می‌باشند.»

پس توحید در عبادت، یکی از بخش‌های مهم توحید است؛ زیرا پرستش و عبادت تنها برای الله است و فقط اوست که پاداش اعمال را می‌رساند.

---

۱- سورهٔ زخرف، آیهٔ ۸۷.

۲- سورهٔ یوسف، آیهٔ ۱۰۶.

## شرک

شِرْک عبارت است از کم و کاستی در ایمان به خداوند و یکتاپرستی. شرک در هر سه بخش از توحید وجود دارد؛ به عبارتی دیگر، کم و کاستی در رعایت هرکدام از بخش‌های توحید، «شرک» نامیده می‌شود. همان‌گونه که می‌دانید، در اسلام، شرک به معنی شریک قراردادن است؛ مثلاً شریک قراردادن بت‌ها در عبادت الله.

**شرک یکی از گناهان کبیره است که هرگز بخشیده نمی‌شود.**

در سورهٔ نساء خداوند در مورد شرک می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللّهَ لاَ يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ وَمَن يُشْرِكْ بِاللّهِ فَقَدِ افْتَرَى إِثْماً عَظِيماً﴾[1] «بی‌گمان خداوند (هرگز) شرک به خود را نمی‌بخشد؛ ولی گناهان جز آن را از هرکس که خود بخواهد می‌بخشد و هرکه برای خدا شریکی قائل گردد، گناه بزرگی را مرتکب شده است.»

همین پیام دوباره در سورهٔ نساء تکرار شده است:

﴿إِنَّ اللّهَ لاَ يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ وَمَن يُشْرِكْ بِاللّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلاَلاً بَعِيداً﴾[2] «بی‌گمان خداوند، شرک ورزیدن به خود را (از کسی) نمی‌آمرزد و بلکه پایین‌تر از آن را از هرکس که بخواهد (و صلاح بداند) می‌بخشد. هرکه برای خدا انباز بگیرد، به راستی، بسی گمراه گشته است (و خیلی از حق پرت شده است).»

**سرانجامِ شرک، آتش جهنم است.**

الله در قرآن در سورهٔ مائده می‌فرماید:

﴿مَن يُشْرِكْ بِاللّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللّهُ عَلَيهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ﴾[3] «بی‌گمان هرکس انبازی برای خدا قرار دهد، خدا بهشت را بر او حرام کرده است (و هرگز به بهشت گام نمی‌نهد) و جایگاه او آتش (دوزخ) است و ستمکاران یار و یاوری ندارند (تا ایشان را از عذاب جهنّم برهاند).»

**بندگی و عبادت به جز برای الله، شرک محسوب می‌شود.**

در سورهٔ آل‌عمران این‌گونه ذکر شده است:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْاْ إِلَى كَلَمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلاَّ نَعْبُدَ إِلاَّ اللّهَ وَلاَ نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلاَ يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِّن دُونِ اللّهِ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَقُولُواْ اشْهَدُواْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾[4] «بگو: ای اهل کتاب! به سوی سخن دادگرانه‌ای که میان ما و شما مشترک است (و همهٔ آن را بر زبان می‌رانیم، بیایید بدان عمل کنیم و آن این) که جز خداوند یگانه را نپرستیم

۱- سورهٔ نساء، آیهٔ ٤٨.
۲- سورهٔ نساء، آیهٔ ١١٦.
۳- سورهٔ مائده، آیهٔ ٧٢.
٤- سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ٦٤.

و چیزی را شریک او نکنیم و برخی از ما برخی دیگر را، به جای خداوند یگانه، به خدایی نپذیرد؛ پس هرگاه (از این دعوت) سر برتابند، بگویید: گواه باشید که ما مُنْقاد[1] (اوامر و نواهی خدا) هستیم.»

## پایان‌بخش کتاب

خداوند در قرآن، سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۰۸ می‌فرماید:

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِم مَّرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ «ای مؤمنان! (به معبودها و بت‌هایی که مشرکان به جز خدا می‌پرستند، دشنام ندهید تا آنان مبادا خشمگین شوند و) تجاوزکارانه و جاهلانه، خدای را دشنام دهند. همان‌گونه (که معبودها و بت‌ها را در نظر اینان آراسته‌ایم،) برای هر ملّتی و گروهی، اعمالشان را آراسته‌ایم. (هرکسی کار خود را زیبا می‌بیند. بزهکار بر اثر تکرار گناه، قبح آن در نظرش زدوده می‌شود و بر اثر وسوسهٔ شیطانی و نفسانی، زشت، زیبا جلوه‌گر می‌گردد. به هرحال) عاقبت و بازگشتشان به سوی خدایشان است و خدا آنان را از آنچه انجام داده‌اند، آگاه می‌سازد (و پاداش و پادْاَفرِه[2] نیکان و بدان را خواهد داد).»

و در سورهٔ لقمان، آیهٔ ۲۷ می‌فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِن بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ «اگر همهٔ درختانی که روی زمین هستند، قلم شوند و دریا (برای آن مرکب گردد) و هفت دریا کمک این دریا شود (و با آن مخلوقات خدا یادداشت گردد، قلم‌ها می‌شکنند و مرکّب‌ها می‌خشکند؛ ولی) مخلوقات خدا پایان نمی‌گیرند. خداوند عزیز و حکیم است؛ (می‌داند چه چیزها را باید بیافریند و چگونه بیافریند).»

همچنین، الله متعال، در سورهٔ حج، آیهٔ ۷۳ می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَن يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِن يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَّا يَسْتَنقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ﴾ «ای مردم! مثلی زده شده است (با دقّت) بدان گوش فرا دهید. آن کسانی را که به غیر از الله برای کمک می‌خوانید، هرگز نمی‌توانند مگسی را بیافرینند؛ اگر هم همگان (برای آفرینش آن) دست به دست یکدیگر دهند؛ حتی اگر هم مگس، چیزی را از آنان بستاند و برگیرد، نمی‌توانند آن را از او بازپس‌گیرند و برهانند. هم طالب (که مگس ناچیز است) و هم مطلوب (که بتان سنگی و یا معبودان دروغینند،) درمانده و ناتوانند.»

## سخن نهایی با شما، مخاطبان گرامی!

نشر این کتاب در کانال‌ها، سایت‌ها، وبلاگ‌ها و ... فقط با ذکر نام رد شبهات ملحدین و آدرس کانال تلگرام و سایت این رسانه، مجاز می‌باشد.

تقریباً دو سال از ترجمهٔ این کتاب گذشته است؛ ولی به علت مشکلات شدید ویرایشی و نگارشی و همچنین دغدغه‌های دنیایی، متأسفانه تا به این تاریخ از نشر آن معذور بوده‌ایم. دلیل مشکلات نگارشی

---

۱- منقاد به‌معنی فرمانبردار (لغتنامهٔ دهخدا، مدخل منقاد).

۲- پادافره به‌معنی مکافات بدی (لغتنامهٔ دهخدا، مدخل بادافره)؛ در اینجا به‌معنای مکافات و پاداش به‌کار برده شده است.

کتاب این بود که به علت تندنویسی و سرعت بالای تایپ مترجم، این کتاب دارای غلط‌های املایی و نگارشی بسیاری بود و متأسفانه کمتر کسی حاضر به انجام ویرایش این کتاب می‌شد و جالب‌تر اینکه تا به حال این کتاب توسط چهار شخص به صورت مجزا و در زمان‌های مختلف ویرایش شده است و خود من هم دوباره ویرایش و تنظیم فونت آن را بر عهده گرفتم؛ ولی بحمدالله این کتاب در هرصورت نشر شده و به صورت فی سبیل الله در اختیار شما قرار گرفته است.[۱] باشد که خداوند آن را مایهٔ سعادت اخروی نویسندهٔ آن، دکتر ذاکر نایک و مترجم آن، بهرام و ویرایشگران متعدد آن شود که هیچ‌کدام راضی به انتشار اسمشان در این جا نبودند و مایهٔ خشنودی پروردگار گردد.

امید است که خداوند این عمل هرچند ناچیز را از ما بپذیرد و برای هرکس که در انتشار و تهیهٔ این کتاب به هرصورتی از قبیل پخش و یا توزیع بین مردم و یا فورواردکردن فایل آن، سهم داشته است، ثواب جاریه و اجر معنوی محسوب کند.[۲]

---

۱- ویراستاری این کتاب، همراه با طراحی‌ها و ... در تاریخ ۱۸ فروردین ۱۳۹۹ به پایان رسید. (ویراستار: نوید نوری)

۲- تاریخ ویرایش قبلی کتاب بدون طراحی‌ها و ...: ۰۷/۰۷/۱۳۹۸؛ معادل ۲۹ اکتبر ۲۰۱۹، ساعت ۸:۵۹ دقیقهٔ بعد از ظهر.



**دکتر ذاکر نایک**

اسلام به معنی تسلیم‌شدن در برابر اوامر و شریعت الله است و مسلمانان اعتقاد دارند که قرآن، کلام الله است که بر پیامبر اسلام، محمد (ﷺ) نازل شده است. در اسلام به صورت آشکارا ذکر شده است که الله، پیامبرانی را در طول تاریخ بر مردمانی مختلف فرستاده است که همهٔ آن‌ها یک پیام واحد داشته‌اند و پیام واحد تمام انبیا این بود: **ایمان‌داشتن به خدای یگانه و ایمان‌داشتن به روز رستاخیز**؛ به همین دلیل، در اسلام، ایمان آوردن به پیامبران قبلی، یکی از ارکان ایمان است.

تعریف خداوند در دین اسلام، ص ۱۱